



KCP: A Novel Framework for Designing and Implementing Innovative Ideas in Social Entrepreneurship

Mahboobeh Vahabi Abyaneh 

Entrepreneurship Development Department, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.
vahabi.m@ut.ac.ir

Ali Mobini Dehkordi* 

Department of Technology, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author)
Mobini@ut.ac.ir

ABSTRACT

Social entrepreneurship, as an innovative approach to addressing complex challenges such as poverty and resource scarcity in marginalized regions, requires systematic and efficient frameworks to integrate creativity and collective consensus for resolving multifaceted issues. This study introduces the structured KCP (Knowledge-Concept-Proposal) framework, grounded in C-K design theory, and evaluates its post hoc validity in generating sustainable and impactful solutions. The application of the KCP framework in analyzing and designing social entrepreneurship projects demonstrates that, by integrating creativity and leveraging collective wisdom, it is not only effective in the design phase but also ensures practical implementation. The framework's validity was assessed through a case study of a trout farming project in Rostamabad, Chaharmahal and Bakhtiari Province. Employing a qualitative methodology, semi-structured interviews (conducted in 2025) with project stakeholders were triangulated with documentary data to ensure accuracy and validate findings. The results indicate that the Knowledge phase, through generating technical expertise (e.g., water quality testing and fisheries consultations), the Concept phase, through fostering innovative ideas (e.g., establishing fish farming pools and cooperatives), and the Proposal phase, through devising actionable strategies (e.g., securing bank loans and implementing training programs), significantly contributed to the project's success. This study underscores that the KCP framework is effective in analyzing project processes, capable of addressing cognitive barriers (e.g., knowledge gaps) and social challenges (e.g., cultural resistance), and ensures project sustainability. It can serve as a practical guide for designing social innovations.

Keywords: *KCP framework, social entrepreneurship, collective creativity, social innovation, rural development*

Cite this article: Vahabi Abyaneh, M., Mobini Dehkordi, A., (2025). KCP: A Novel Framework for Designing and Implementing Innovative Ideas in Social Entrepreneurship. *Journal of Entrepreneurship Development*, 18(3), 25-45. <http://doi.org/10.22059/jed.2025.103840>. (in Persian)

Received: 2025-06-01; **Revised:** 2025-07-28.; **Accepted:** 2025-08-26; **Published online:** 2025-09-22.
© The Author(s). **Article type:** Research **Publisher:** University of Tehran Press.



KCP: چارچوبی نوین برای طراحی و پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه در کارآفرینی اجتماعی

محبوبه وهابی ایبانه ^{ID}

گروه توسعه کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Yahabi.m@ut.ac.ir

علی مبینی دهکردی * ^{ID}

گروه فناوری، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mobini@ut.ac.ir

چکیده

کارآفرینی اجتماعی، به عنوان رویکردی نوین برای مواجهه با چالش‌های پیچیده‌ای نظیر فقر و کمبود منابع در مناطق محروم، نیازمند چارچوب‌هایی نظام‌مند و کارآمد است که بتواند خلاقیت و اجماع اجتماعی را برای حل مسائل پیچیده و چندوجهی به یکدیگر پیوند دهد. در این مقاله ضمن معرفی چارچوب KCP (دانش-مفهوم-پیشنهاد) ساخت یافته بر پایه تئوری طراحی C-K و کارا در خلق راه‌حل‌های پایدار و تأثیرگذار به ارزیابی پسینی اعتبار آن پرداخته خواهد شد. کاربست این چارچوب در تحلیل و طراحی پروژه‌های کارآفرینی اجتماعی در این مقاله نشان خواهد داد که این چارچوب به دلیل تلفیق خلاقیت و در نظر گرفتن خرد جمعی نه تنها در طراحی موثر است؛ بلکه در پیاده‌سازی نیز دارای ضمانت اجراست. ارزیابی پسینی این چارچوب از طریق انجام مطالعه موردی پروژه پرورش ماهی قزل‌آلا در منطقه رستم‌آباد، استان چهارمحال و بختیاری صورت پذیرفته است. در این روش کیفی که در آن مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته (۱۴۰۴) با متولیان این پروژه به انجام رسید، جهت تدقیق گفتارها و صحت سنجی آنها، مثلث‌بندی با داده‌های اسنادی نیز به انجام رسید. یافته‌ها حاکی از آن است که فاز دانش با تولید دانش فنی (مانند آزمایش کیفیت آب و مشاوره‌های تخصصی شیلات)، فاز مفهوم با خلق ایده‌های نوآورانه (نظیر تأسیس استخرهای پرورش ماهی و راه‌اندازی تعاونی) و فاز پیشنهاد با ارائه استراتژی‌های عملی (همچون تسهیلات بانکی و برنامه‌های آموزشی) به موفقیت پروژه یاری رسانده است. این پژوهش روشن ساخت که استفاده از این چارچوب نه تنها در تحلیل فرآیندهای پروژه اثربخش است و قادر به مدیریت موانع شناختی (کمبود دانش) و اجتماعی (مقاومت‌های فرهنگی) است، بلکه متضمن پایداری پروژه‌هاست و می‌تواند به عنوان راهنمایی عملی برای طراحی نوآوری‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: KCP، کارآفرینی اجتماعی، خلاقیت جمعی، نوآوری اجتماعی، توسعه روستایی

استناد به این مقاله: وهابی ایبانه، م؛ مبینی دهکردی، ع؛ (۱۴۰۴). KCP: چارچوبی نوین برای طراحی و پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه در کارآفرینی اجتماعی. توسعه کارآفرینی. ۱۸(۳)، ۴۵-۲۵. <http://doi.org/10.22059/jed.2025.103840>

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

کارآفرینی اجتماعی^۱ به عنوان رویکردی مؤثر برای حل مسائل پیچیده اجتماعی مانند فقر، نابرابری اجتماعی، تغییرات اقلیمی، و دسترسی محدود به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی، در دهه‌های اخیر به حوزه‌ای محوری در پژوهش و عمل تبدیل شده است (مایر و مارتی^۲، ۲۰۰۶، ص ۳۷؛ زهرا و همکاران^۳، ۲۰۰۹، ص ۵۱۹). برخلاف کارآفرینی سنتی که به دنبال خلق ارزش اقتصادی است، کارآفرینی اجتماعی به دنبال خلق ارزش پایدار اجتماعی است و با چالش‌هایی نظیر محدودیت منابع، پیچیدگی‌های فرهنگی، و نیاز به همکاری گسترده ذی‌نفعان مواجه است (دیس^۴، ۲۰۱۲، ص ۳۷۱؛ اوستین و همکاران^۵، ۱۹۹۸، ص ۴). گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که بسیاری از پروژه‌های کارآفرینی اجتماعی در مناطق محروم به دلیل کمبود منابع و عدم پذیرش اجتماعی با شکست مواجه می‌شوند (سازمان ملل متحد^۶، ۲۰۲۳) این پیچیدگی‌ها بر نیاز به توسعه روش‌های نوآورانه‌ای تأکید می‌کنند که نه تنها ایده‌های خلاقانه‌ای خلق کنند، بلکه با تولید دانش نوین و تقویت هم‌افزایی اجتماعی، به راه‌حل‌هایی پایدار و مقیاس‌پذیر منجر گردد (مایر و سیلاس^۷، ۲۰۱۷، ص ۳۷).

روش‌های سنتی خلاقیت جمعی، مانند طوفان فکری^۸، حل خلاق مسئله^۹، و دلفی، در پاسخگویی به نیازهای کارآفرینی اجتماعی با محدودیت‌های قابل توجهی مواجه‌اند. برای مثال، طوفان فکری به دلیل اثرات شباهت ایده‌ها و عدم تغییر دسته‌بندی، اغلب پتانسیل مفهومی را به طور کامل کاوش نمی‌کند (پالوس و براون^{۱۰}، ۲۰۰۷، ص ۲۵۰). حل خلاقانه مسئله، اگرچه ساختاریافته‌تر است، به واگرایی آزاد وابسته است و کمتر به تولید دانش جدید توجه دارد (ونگانندی^{۱۱}، ۱۹۸۸، ص ۱۹). روش دلفی نیز که بر توافق نظر میان کارشناسان تکیه دارد، برای حل مسائل اجتماعی پیچیده کافی نیست. این روش به‌ویژه زمانی که نیاز به خلاقیت مفهومی (ایده‌پردازی‌های نوآورانه) و مشارکت گسترده افراد و گروه‌های ذی‌نفع (مثل جامعه یا سازمان‌ها) باشد، دارای محدودیت‌هایی است (لنستون و توراف^{۱۲}، ۲۰۱۱، ص ۱۷۲). این محدودیت‌ها شکافی قابل توجه در روش‌های طراحی نوآورانه برای کارآفرینی اجتماعی ایجاد کرده‌اند، به‌ویژه در حوزه‌هایی که نیازمند برقراری تعادل میان خلاقیت مفهومی، تولید دانش جدید و جلب اجماع اجتماعی هستند (هاتکل و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۹، یونس و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۰) اکنون، کمتر مطالعه‌ای به‌طور خاص به بررسی رویکردی پرداخته که بتواند این سه مؤلفه را به صورت یکپارچه مدیریت کند.

چارچوب KCP (دانش-مفهوم-پیشنهاد)، که توسط هچوئل، لوماسون و ویل^{۱۵} (۲۰۰۹) بر پایه تئوری طراحی C-K

1. Social Entrepreneurship
2. Mair & Martí
3. Zahra et al
4. Dees
5. Austin et al
6. UNDP
7. Mair & Seelos
8. Brain storming
9. Creative Problem Solving (CPS)
10. Paulus & Brown
11. VanGundy
12. Linstone & Turoff
13. Hatchuel et al
14. Yunus et al
15. Hatchuel et al

توسعه یافت، چارچوبی سیستماتیک برای خلق، توسعه و اجرای ایده‌های نوآورانه مبتنی بر خلاقیت جمعی است که این شکاف را پر می‌کند. تئوری C-K، که از سال ۲۰۰۳ توسط هچوئل و ویل پایه‌گذاری شد، طراحی را به عنوان تعاملی پویا میان دو فضا تعریف می‌کند: (۱) فضای دانش (K) که اطلاعات موجود را شامل می‌شود و (۲) فضای مفهوم (C) که ایده‌های نوآورانه را پرورش می‌دهد (هاتکل و ویل^۱، ۲۰۰۹؛ هاتکل و همکاران، ۲۰۰۳).

چارچوب KCP این تئوری را با سه فاز عملیاتی می‌کند: (۱) فاز دانش برای جمع‌آوری و تولید دانش؛ فاز مفهوم برای ایده‌پردازی و فاز پیشنهاد برای ارائه راه حل‌های عملی. این چارچوب چهار معیار کلیدی خلاقیت جمعی را پوشش می‌دهد: الف) کاوش کامل پتانسیل مفهومی؛ ب) کمک به افراد برای عبور از محدودیت‌های ذهنی؛ ج) تولید دانش جدید و د) تضمین پذیرش اجتماعی از طریق جلب مشارکت ذی‌نفعان (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹). این ویژگی‌ها KCP را به ابزاری مناسب برای کارآفرینی اجتماعی تبدیل می‌کند، جایی که مدیریت پیچیدگی‌های اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی برای ارائه راه‌حل‌های پایدار ضروری است.

کاربرد چارچوب KCP در کارآفرینی اجتماعی به دلایل متعددی دارای اهمیت است. نخست آنکه با هدایت «کاوش خلاقانه ایده‌ها» از طریق سازمان‌دهندگان یا تسهیلگران، بستری برای خلق نوآوری‌های بدیع فراهم می‌آورد، برخلاف روش‌های سنتی که اغلب به ایده‌های تکراری محدود می‌شوند (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹؛ پالوس و براون، ۲۰۰۷). این ویژگی برای مسائل پیچیده اجتماعی، مانند توانمندسازی جوامع محروم یا کاهش نابرابری‌ها، حیاتی است، زیرا نیازمند راه‌حل‌هایی فراتر از چارچوب‌های مرسوم است (مایر و سیلاس، ۲۰۱۷، ص ۳۸)؛ دوم، فاز دانش (K) با معرفی اطلاعات جدید، تولید دانش را تسهیل می‌کند، که در زمینه‌های اجتماعی با داده‌های ناقص بسیار مفید است (یونس و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۳۱۳). و سوم، فاز پیشنهاد (P) با جلب تعهد ذی‌نفعان است که پذیرش اجتماعی راه‌حل‌ها را تضمین می‌کند و برای موفقیت پروژه‌های کارآفرینی اجتماعی ضروری است (اوستین و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۳۷۲)؛ چهارم، انعطاف‌پذیری KCP آن را برای مسائل جهانی و محلی کارآفرینی اجتماعی مناسب می‌سازد (زهره و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۵۲۲). در نهایت، KCP با ارائه یک استراتژی چندمسیره به جای انتخاب یک ایده واحد، امکان یادگیری مستمر و بهبود راه‌حل‌ها را فراهم می‌آورد که برای پایداری و مقیاس‌پذیری در کارآفرینی اجتماعی حیاتی است (نیکولاس و موراک^۲، ۲۰۱۱، ص ۱۴).

هدف در این مقاله ارزیابی جامعیت و کارایی این چارچوب به منظور طراحی ایده‌های خلاقانه به منظور حل مسائل پیچیده اجتماعی است. البته باید اشاره شود که در این پژوهش از رویکرد پسینی استفاده شده است. بدین معنا که پیشنهاد پژوهش فوق این چارچوب را به صورت پیشینی و به منظور طراحی ایده‌های نوآورانه و اجرای آن در حوزه کارآفرینی اجتماعی می‌دهد، اما در پروژه اجرا شده موفق در این حوزه به صورت پسینی جامعیت ابعاد آن را مورد سنجش قرار می‌دهد. بر این اساس در پژوهش فوق، مراحل اجرا و طراحی پروژه پرورش ماهی در چشمه‌های روستای رستم‌آباد با فازهای KCP در یک مقایسه تطبیقی تحلیل می‌گردد تا توانایی این چارچوب را در برآورده‌سازی هر چهار معیار خلاقیت جمعی و ارائه راه‌حل‌های عملی به‌خوبی نشان دهد.

۲. مروری بر ادبیات

همان‌طور که در مباحث مقدماتی به آن اشاره شد، تأکید پژوهش‌های کارآفرینی اجتماعی بر اتخاذ روش‌هایی نوآورانه است که در مواجهه با چالش‌های پیچیده اجتماعی، مانند فقر و نابرابری، راه‌حل‌هایی مؤثر ارائه دهد، اما محدودیت‌های روش‌های سنتی نظیر طوفان فکری و حل خلاق مسئله، شکاف‌هایی را در این حوزه آشکار کرده است (مایر و مارتی، ۲۰۰۶، ص ۳۷؛ پالوس و براون، ۲۰۰۷، ص ۲۵۰). این بخش با بررسی تئوری طراحی C-K و چارچوب KCP برآمده از آن و نیز زمینه کارآفرینی اجتماعی و انجام تحلیلی مقایسه‌ای میان این روش و روش‌های سنتی موجود، پایه‌ای نظری را جهت معرفی شکاف پژوهشی در این حوزه و معرفی روش‌های جامع طراحی نوآورانه فراهم آورده است.

۱.۲. تئوری C-K: چارچوبی برای طراحی نوآورانه

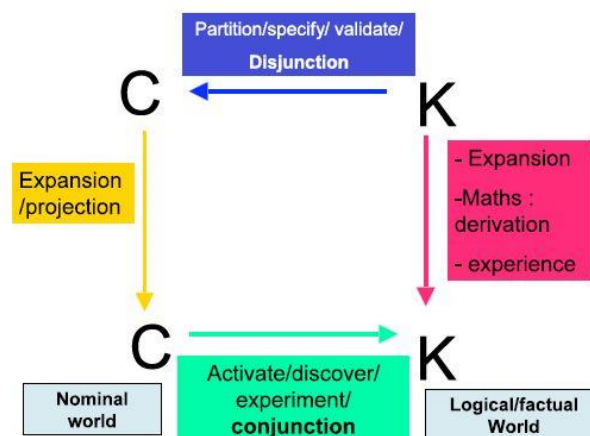
تئوری C-K طراحی را تعامل بین دو فضا تعریف می‌کند:

(۱) فضای مفهوم (C): شامل ایده‌های تأییدنشده، خیالی، یا غیرقطعی است.

(۲) فضای دانش (K): شامل اطلاعات معتبر، حقایق، یا داده‌های تأییدشده است (هاتکل و ویل، ۲۰۰۳، ص ۳).

این تعامل دوسویه میان فضای مفاهیم و دانش موجب می‌شود.

(۳) تولید مفاهیم جدید از طریق گسترش دانش^۱ و (۴) تولید دانش جدید از طریق کاوش مفاهیم^۲ صورت پذیرد (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹). (شکل ۱) به صورت تصویری، فضای C و K به عنوان دو حوزه مجزا با پیکان‌های دوسویه برای گسترش مفاهیم (C به K) و دانش (K به C) نشان داده می‌شوند. این چارچوب پایه نظری KCP را شکل می‌دهد.



شکل ۱. چهار عملکرد اصلی در تئوری C_K (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹)

۲.۲. چارچوب KCP: تلفیق تئوری C-K و خلاقیت جمعی

چارچوب KCP، که نخستین بار توسط هچوئل، لوماسون و ویل در سال ۲۰۰۹ معرفی شد، ابتدا در حوزه‌های مهندسی و مدیریت نوآوری برای طراحی محصولات و خدمات نوآورانه به کار گرفته شد. با این حال، کاربری آن در حوزه

1. K-expansion
2. C-expansion

اجتماعی، به‌ویژه کارآفرینی اجتماعی، تا حد زیادی مغفول مانده است. KCP در واقع چارچوبی است که تئوری C-K را با دو بعد شناختی و اجتماعی از خلاقیت جمعی^۱ تلفیق می‌کند (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹). بنا به گفته پالوس^۲ (۲۰۰۷)، از منظر شناختی، موانعی مانند تشابه در تداعی ایده‌ها^۳، بار شناختی^۴ و اثر تثبیت^۵ می‌توانند دامنه ایده‌ها را محدود کنند (پالوس و براون، ۲۰۰۷) لذا افراد را از کاوش در مفاهیم غیرمتعارف باز خواهد داشت که این مهم در کارآفرینی اجتماعی مانعی برای طراحی راه‌حل‌های نوآورانه است. از منظر اجتماعی نیز عواملی مانند اضطراب اجتماعی^۶، فشار ارزیابی پسین^۷، و ادراک تخصصی بودن^۸ مشارکت افراد را کاهش می‌دهند (پالوس و دزیندالت^۹، ۱۹۹۳) که این موانع در زمینه‌هایی مانند ایران، ممکن است به دلیل مقاومت‌های فرهنگی و محدودیت‌های نهادی، تشدید شود. چارچوب KCP با تأکید بر بعد شناختی، از طریق واگرایی مفهومی^{۱۰} (C-expansion شناختی) و گسترش دانش (K-expansion شناختی) ایده‌های نو تولید می‌کند و در بعد اجتماعی، با حمایت از شکستن قوانین (C-expansion اجتماعی) و ایجاد مشروعیت برای بازسازی قوانین (K-expansion اجتماعی)، اجماع اجتماعی را تسهیل می‌کند (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹). این تلفیق، KCP را به ابزاری جامع برای طراحی ایده‌های نوآورانه در کارآفرینی اجتماعی تبدیل می‌کند که خلاقیت، تولید دانش، و پذیرش اجتماعی را هم‌راستا می‌سازد. جدول ۱ نشان می‌دهد که KCP چگونه موانع شناختی (مانند تشابه ایده‌ها) و اجتماعی (مانند فشار ارزیابی) را رفع می‌کند.

جدول ۱. کارکرد چارچوب KCP در رفع موانع شناختی و اجتماعی

نتیجه	نقش KCP بر اساس نظریه (C-K)	موانع	بعد
تولید ایده‌های نوآورانه با کاوش مفاهیم غیرمتعارف	واگرایی مفهومی (C-expansion شناختی) و گسترش دانش (K-expansion شناختی) از طریق فازهای K و C (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹).	تشابه در تداعی ایده‌ها، بار شناختی، اثر تثبیت (پالوس و براون، ۲۰۰۷)	شناختی
افزایش مشارکت و اجماع اجتماعی برای پذیرش ایده‌ها	حمایت از شکستن قوانین (C-expansion اجتماعی) و مشروعیت بازسازی قوانین (K-expansion اجتماعی) در فاز P. (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹).	اضطراب اجتماعی، فشار ارزیابی پسین، ادراک تخصصی بودن (پالوس و همکاران، ۱۹۹۳)	اجتماعی

در همین راستا و به منظور تحقق این تلفیق، KCP از یک فرآیند ساختاریافته سه‌فازی استفاده می‌کند: فاز دانش (K) برای گسترش دانش، فاز مفهوم (C) برای کاوش ایده‌های نوآورانه با استفاده پروژکتورهای مفهومی، و فاز

۱. خلاقیت جمعی، به‌عنوان فرآیند تولید ایده‌ها در گروه‌ها، تحت تأثیر عوامل شناختی و اجتماعی قرار دارد (پالوس و همکاران، ۲۰۰۹).

2. Paulus

3. similarity in idea association

4. cognitive load

5. fixation effect

6. Social anxiety

7. Post-evaluation pressure

8. Perception of expertise

9. Paulus & Dzindolet

۱۰. واگرایی در بعد شناختی (C-expansion شناختی) به معنای گسترش فضای مفاهیم در ذهن افراد یا گروه‌ها است، که منجر به ایده‌های بدیع و غیرمتعارف می‌شود.

پیشنهاد (P) برای تدوین استراتژی‌های چندمسیره. این فازها چهار معیار خلاقیت جمعی یعنی کاوش پتانسیل مفهومی، تشویق به شکستن قوانین، تولید دانش جدید، و تضمین پذیرش اجتماعی را پوشش می‌دهند (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹).

۳.۲. کارآفرینی اجتماعی: نیاز به طراحی نوآورانه

با توجه به توانایی KCP در رفع موانع خلاقیت جمعی که در بخش قبل و جدول ۱ مورد اشاره قرار گرفت، به نظر می‌رسد که این چارچوب قادر به رفع نیازهای کارآفرینی اجتماعی است. چرا که کارآفرینی اجتماعی خلق ارزش اجتماعی از طریق نوآوری است (دیس، ۱۹۹۸، ص ۴) و با چالش‌هایی نظیر محدودیت منابع و نیاز به همکاری ذی‌نفعان مواجه است (اوستین و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۳۷۱). از این رو، روش‌های طراحی باید به گونه‌ای باشد که هم بتواند به تولید ایده‌های نو بپردازد و هم با تکمیل دانش ناقص، اجماع ذی‌نفعان را تسهیل کند (یونس و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۳۱۳). مدل‌هایی مانند بانک گرامین^۱ نشان می‌دهد که موفقیت کارآفرینی اجتماعی به ترکیب خلاقیت مفهومی و مشروعیت اجتماعی وابسته است (یونس و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۳۱۲). با این حال، روش‌های طراحی موجود اغلب نمی‌توانند نیازهای کارآفرینی اجتماعی، مانند تولید ایده‌های خلاق و جلب اجماع ذی‌نفعان، را به‌طور کامل برآورده سازند، زیرا فاقد فرآیندهای ساختاریافته برای کاوش مفهومی و جلب اجماع هستند. در ادامه به مقایسه این روش‌ها با چارچوب فوق پرداخته خواهد شد.

۴.۲. روش‌های خلاقیت جمعی: مقایسه با KCP

روش‌های خلاقیت جمعی موجود مانند طوفان فکری، CPS، دلفی، و IDEO، محدودیت‌هایی دارند که آن‌ها را برای کارآفرینی اجتماعی کمتر مناسب می‌سازد:

- **طوفان فکری:** به دلیل شباهت ایده‌ها و فشار اجتماعی، کاوش مفهومی را محدود می‌کند که برای ذی‌نفعان متنوع کارآفرینی اجتماعی مشکل‌ساز است (پالوس و براون، ۲۰۰۷، ص ۲۵۰).
 - **حل خلاقانه مسئله (CPS):** با تحلیل ساختاریافته مسئله، دانش موجود را تا حدی فعال می‌کند، اما فاقد واگرایی هدایت‌شده برای تولید ایده‌های بدیع است (ونگاندی، ۱۹۸۸، ص ۱۵).
 - **دلفی:** بر اجماع کارشناسان تمرکز دارد، اما خلاقیت مفهومی را پشتیبانی نمی‌کند که برای مسائل پیچیده اجتماعی ناکافی است (لنستون و توراف، ۲۰۱۱، ص ۱۷۲).
 - **IDEO:** با پروتوتایپ‌سازی خلاقیت را تقویت می‌کند، اما وابستگی به مهارت‌های بالا، آن را برای زمینه‌های کم‌منبع کارآفرینی اجتماعی محدود می‌کند (ساتن و هارگادن^۲، ۱۹۹۶، ص ۶۸۷).
- جدول ۲ قابلیت‌ها، نقاط ضعف، و چارچوب نظری هر روش را در مقایسه با KCP نشان می‌دهد:

۱. بانک گرامین، تأسیس شده توسط محمد یونس، با ارائه وام‌های خرد بدون وثیقه به فقرا، نمونه‌ای از کارآفرینی اجتماعی است که خلاقیت مفهومی (مانند مدل‌های مالی نوآورانه) را با مشروعیت اجتماعی (پذیرش توسط جوامع محلی) ترکیب می‌کند (یونس و همکاران، ۲۰۱۰). این ویژگی‌ها با توانایی‌های KCP در کاوش مفهومی و تضمین پذیرش اجتماعی هم‌راستا هستند.

جدول ۲. مقایسه روش‌های موجود با چارچوب KCP

روش	چارچوب نظری	قابلیت‌ها	نقاط ضعف
طوفان فکری	مدل‌های شناختی خلاقیت (آسبرن ^۱ ، ۱۹۵۳)	تولید سریع تعداد زیادی ایده، سادگی اجرا	شباهت ایده‌ها، فشار اجتماعی، عدم تولید دانش جدید (پالوس و براون، ۲۰۰۷، ص ۲۵۰).
CPS	حل خلاقانه مسئله (ایساکنس و ترفینگر ^۲ ، ۱۹۸۵)	تحلیل ساختاریافته مسئله، فعال‌سازی دانش موجود	فقدان واگرایی هدایت‌شده، محدود به دانش موجود (ونگانندی، ۱۹۸۸، ص ۱۵)
دلفی	پیش‌بینی گروهی (دالکی و هلمر ^۳ ، ۱۹۶۳)	اجماع کارشناسان، کاهش تعصبات گروهی	عدم پشتیبانی از خلاقیت مفهومی، کندی فرآیند (لنستون و توراف، ۲۰۱۱، ص ۱۷۲)
IDEO	تفکر طراحی (براون، ۲۰۰۸)	پروتوتایپ‌سازی، تقویت خلاقیت تیمی	وابستگی به مهارت‌های بالا، ساختار کم (ساتن و هارگدون ^۴ ، ۱۹۹۶، ص ۶۸۷)
KCP	تئوری C-K (هاتکل و ویل، ۲۰۰۳)	کاوش مفهومی هدایت‌شده، تولید دانش جدید، اجماع اجتماعی	پیچیدگی اجرا، نیاز به مهارت سازمان‌دهندگان (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۶).

۳. روش‌شناسی پژوهش

۱.۳. رویکرد و راهبرد پژوهش

پژوهش فوق از منظر هدف، کاربردی و از منظر رویکرد، کیفی است. انتخاب روش کیفی در این پژوهش به دلیل انعطاف پذیری و تمرکز بر فهم عمیق پدیده‌ها و کنش‌های اجتماعی و بررسی و تحلیل مجموعه اقدامات یک مدیر محلی در راستای توانمندسازی اجتماعی است (کرسول و پات^۵، ۲۰۱۶).

در این پژوهش از راهبرد مطالعه موردی^۶ استفاده شده است، این راهبرد، امکان تحلیل عمیق یک نمونه موفق کارآفرینی اجتماعی را در بافت خاص آن فراهم می‌نماید (یان^۷، ۲۰۱۷). دلیل انتخاب پروژه پرورش ماهی قزل‌آلا در چشمه‌های روستای رستم‌آباد شهرستان اردل در استان چهارمحال و بختیاری، موفقیت آن در ایجاد مشاغل پایدار، توسعه زنجیره ارزش و بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه زمین و آب به شیوه‌ای نوآورانه است. پروژه ای که بازسازی مراحل شکل‌گیری و اجرای آن و همچنین قابلیت انطباق با فازهای چارچوب نظری- عملیاتی KCP (دانش، مفهوم، پیشنهاد) نشان داد که چارچوب پیشنهادی مورد نظر نه تنها قادر به توضیح فرآیندهای یک پروژه موفق است، بلکه می‌تواند به عنوان الگوی مناسبی برای طراحی ایده‌های نوآورانه و پیاده‌سازی آن جهت رفع مشکلات اجتماعی و توانمندسازی مردم در مناطق محروم عمل نماید.

۲.۳. زمینه مطالعه موردی

پروژه پرورش ماهی قزل‌آلا در آب‌های سرد داخلی در منطقه‌ای کوهستانی و با چالش‌های متعددی اجرا گردید: ناز

1. Osborn
2. Isaksen & Treffinger
3. Dalkey & Helmer
4. Sutton & Hargadon
5. Creswell & Poth
6. Case study
7. Yin

KCP: چارچوبی نوین برای طراحی و پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه در کارآفرینی اجتماعی (مبینی دهکردی و وهابی ایبانه)

جمله رخ بیکاری ۱۳.۴٪، فقر گسترده (۳۰٪) خانوارها زیر خط فقر، ۱۱۵ روز یخبندان سالانه، و نبود دانش فنی پرورش ماهی (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). هدف پروژه، توانمندسازی اقتصادی جامعه محلی از طریق بهره‌برداری نوآورانه از چشمه‌ای با دبی ۶-۹ مترمکعب در ثانیه بود، بدون ایجاد تعارض با فعالیت‌های سنتی کشاورزی و دامداری. پروژه‌ای که از مدل‌های موفق جهانی مانند پرورش توأم ماهی و برنج در ژاپن، الهام گرفت (مولگان و همکاران^۱، ۲۰۰۷). پیچیدگی‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه، آن را به زمینه‌ای مناسب برای تحلیل پسینی با KCP مبدل نمود (مایر و مارتی، ۲۰۰۶). در جدول ۳ خلاصه‌ای از چالش‌های منطقه قابل مشاهده است.

جدول ۳. چالش‌های روستای رستم‌آباد، استان چهارمحال و بختیاری

چالش	آمار	منبع	روش محاسبه
نرخ بیکاری	۱۳.۴٪	مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱	نمونه‌گیری تصادفی از ۵۰۰ خانوار روستایی در رستم‌آباد
نرخ فقر	۳۰٪ زیر خط فقر	وزارت تعاون، ۱۳۹۹	ارزیابی درآمد خانوار بر اساس خط فقر ملی
شرایط اقلیمی	۱۱۵ روز یخبندان	سازمان هواشناسی، ۱۴۰۰	میانگین روزهای یخبندان در دهه ۱۳۹۰-۱۴۰۰
نبود دانش فنی شیلات	۱۰٪ نیروی کار آموزش‌دیده در شیلات (۱۳۹۸)	سازمان شیلات ایران، ۱۳۹۸	بررسی سوابق آموزشی نیروی کار محلی

۳.۳. ابزار جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های پژوهش از دو منبع اصلی جمع‌آوری شدند:

۱. مصاحبه نیمه ساختاریافته: داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته ۹۰ دقیقه‌ای با مدیر محلی پروژه در سال ۱۴۰۴ جمع‌آوری گردید. مصاحبه فوق‌مشمول بر ۱۵ سوال و به لحاظ محتوایی بر مراحل پروژه (شناسایی منابع، ایده‌پردازی، اجرا)، چالش‌ها (مقاومت فرهنگی، کمبود دانش)، و نتایج (اشتغال، معیشت) متمرکز بود. مصاحبه فوق در راستای تکمیل تأیید داده‌های تاریخی در دسترس طی سال‌های (۱۳۶۴-۱۳۶۵) به انجام رسید.
۲. اسناد و گزارش‌ها: به منظور تکمیل داده‌ها از گزارش‌های مرکز آمار ایران (۱۴۰۱) مستندات پروژه (مانند داده‌های دبی چشمه و تسهیلات بانکی) و مکاتبات اداری موجود استفاده شد.

۴.۳. روش تحلیل داده‌ها

به منظور تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل محتوای تماتیک کیفی^۲ استفاده شده است. تحلیل تماتیک روشی نظام‌مند برای شناسایی و گزارش مضامین در داده‌های کیفی است (برایون و کلارک^۳، ۲۰۰۶) فرآیندی که شامل مراحل زیر بوده است:

1. Mulgan et al
2. Qualitative Thematic Content Analysis
3. Braun & Clarke

۱. آشنایی با داده‌ها: انجام مصاحبه و پیاده‌سازی آن و چندین بار مطالعه؛
۲. تولید کدهای اولیه: استخراج نقل قول‌های خام (مانند «چشمه‌های پر آب») و تبدیل آن به کدها؛
۳. جستجوی مضامین: دسته‌بندی کدها به مضامین فرعی (مانند منابع بلااستفاده)؛
۴. بازبینی مضامین: بررسی مضامین فرعی و تبدیل آن به مضامین اصلی (مانند شناسایی منابع)؛
۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین: نام‌گذاری مضامین اصلی (مانند جلب مشارکت ذی‌نفعان)؛
۶. نگارش گزارش: ارائه نحوه رسیدن به مضامین اصلی از مضامین فرعی و اولیه در جدول ۴ و تطبیق آن با فازهای KCP و معیارهای خلاقیت جمعی و ارائه آن در جدول ۵

۵.۳. روایی و پایایی پژوهش

به منظور تضمین کیفیت پژوهش فوق، معیارهای روایی^۱، پایایی^۲، تأییدپذیری^۳، و انتقال‌پذیری^۴ بر اساس راهبردهای لینکلن و گوبا^۵ و (اشوانت و همکاران^۶، ۲۰۰۷) تأمین شدند. روایی سؤالات مصاحبه نیمه ساختاریافته، با شاخص‌های CVR در یک گروه پنج نفره از خبرگان اکوسیستم کارآفرینی اجتماعی سنجیده شد. همه سؤالات توسط خبرگان مورد نظر ضروری ارزیابی شدند و CVR برابر عدد ۱ و شاخص CVI برابر ۰.۹۳ حاصل گردید. پس از انجام مصاحبه و به منظور افزایش روایی و پایایی پژوهش حاضر، مثلث‌بندی^۷ داده‌های چندمنبعی، شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (۱۴۰۴) و اسناد مکمل (گزارش‌های مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲؛ مستندات پروژه؛ مکاتبات اداری)، به منظور تقویت روایی به انجام رسید؛ برای مثال، ادعای مصاحبه‌شونده درخصوص چشمه با دبی ۶-۹ متر مکعب در رستم‌آباد با رجوع به گزارش‌های پروژه مورد تأیید واقع شد. به منظور سنجش پایایی پژوهش، دو پژوهشگر مستقل، متن مصاحبه‌ها را بازخوانی و کدگذاری کردند و نتایج حاصل را در نرم افزار MaxQDA با هم مقایسه نمودند که ضریب کاپای معادل ۰.۷۳ حاصل گردید که نشانگر توافق کدگذاران و پایایی پژوهش است. تأییدپذیری نیز حاصل بی‌طرفی پژوهشگر و شفافیت در ارائه تحلیل‌هاست.

۴. یافته‌های پژوهش

در گام نخست و با تحلیل مصاحبه صورت گرفته، کدهای اولیه از نقل قول‌های خام استخراج و سپس به مضامین فرعی و مضامین اصلی دسته‌بندی گردید. مضامین اصلی به دست آمده با داده‌های برآمده از اسناد به منظور تحقق روایی تحقیق، مثلث‌بندی گردید (جدول ۴)

-
1. Credibility
 2. Dependability
 3. Confirmability
 4. Transferability
 5. Lincoln and Guba
 6. Schwandt et al
 7. Triangulation

KCP: چارچوبی نوین برای طراحی و پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه در کارآفرینی اجتماعی (مبینی دهکردی و وهابی ایبانه)

جدول ۴. کدهای اولیه و مضامین فرعی و اصلی استخراج شده از مصاحبه

کد اولیه (نقل قول خام)	مضمون فرعی	مضمون اصلی	فاز KCP مرتبط
«چشمه‌های پرآب با دبی ۶-۹ مترمکعب»	منابع طبیعی بلااستفاده	شناسایی منابع	دانش (K)
«آزمایش کیفیت آب چشمه»	تولید دانش فنی	آزمایش و مشاوره	دانش (K)
«ایده پرورش ماهی در اراضی شیبدار»	استفاده از اراضی رهاشده	ایده‌پردازی خلاق	مفهوم (C)
«باور غیرممکن بودن پرورش ماهی»	مقاومت‌های فرهنگی	چالش باورهای سنتی	مفهوم (C)
«جوانان مهاجرت کرده بودند»	کاهش نیروی کار محلی	چالش‌های اجتماعی	دانش (K)
«تسهیلات بانکی ۱۵-۲۰ میلیون تومان»	تأمین منابع مالی	استراتژی‌های اجرایی	پیشنهاد (P)
«آموزش جوانان برای پرورش ماهی»	ظرفیت‌سازی محلی	آموزش و توانمندسازی	پیشنهاد (P)
«نمایش ماهی‌ها در شورای برنامه‌ریزی»	جلب حمایت مدیریتی	پذیرش اجتماعی	پیشنهاد (P)
«نظارت مستمر هفتگی»	مدیر پروژه	نظارت و پایداری	پیشنهاد (P)

پس از اطمینان از یافته‌ها در این بخش، این مضامین با فازهای KCP (دانش، مفهوم، پیشنهاد) و معیارهای خلاقیت جمعی (C-expansion شناختی و اجتماعی، K-expansion شناختی و اجتماعی) تطبیق داده شد. جدول ۵ مضامین اصلی استخراج شده از جدول ۴ را با فازهای KCP و معیارهای خلاقیت جمعی تطبیق می‌دهد.

جدول ۵. تحلیل کاربست KCP در پروژه پرورش ماهی رستم‌آباد

مضمون اصلی	فاز KCP	معیار خلاقیت جمعی	شواهد (نقل قول از مصاحبه)	توضیح
شناسایی منابع	دانش (K)	K-expansion شناختی	«چشمه‌های پرآب با دبی ۶-۹ مترمکعب»	شناسایی چشمه و آزمایش کیفیت آب، دانش جدیدی تولید کرد (سیلاس و مایر، ۲۰۲۰)
آزمایش و مشاوره	دانش (K)	K-expansion شناختی	«مشاوره با کارشناس شیلات»	بهره‌گیری از مدل ژاپنی و مشاوره، شکاف دانش فنی را پر کرد (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹).
ایده‌پردازی خلاق	مفهوم (C)	C-expansion شناختی	«ایده پرورش ماهی در اراضی شیبدار»	ایده‌های نوآورانه، پتانسیل مفهومی را کاوش کرد (پالوس و براون، ۲۰۰۷).
چالش باورهای سنتی	مفهوم (C)	C-expansion اجتماعی	«باور غیرممکن بودن پرورش ماهی»	نمایش ماهی‌ها باورهای سنتی را به چالش کشید (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹).
چالش‌های اجتماعی	دانش (K)	-expansion اجتماعی	«جوانان مهاجرت کرده بودند»	شناسایی مهاجرت به‌عنوان چالش، زمینه مشارکت محلی را فراهم کرد (چوا، ۲۰۱۸)
استراتژی‌های اجرایی	پیشنهاد (P)	K-expansion اجتماعی	«تسهیلات بانکی ۱۵-۲۰ میلیون تومان»	تأمین مالی و تشکیل تعاونی، پذیرش اجتماعی را تقویت کرد (چوا، ۲۰۱۸)
آموزش و توانمندسازی	پیشنهاد (P)	K-expansion شناختی	«آموزش جوانان برای پرورش ماهی»	تربیت کارشناسان محلی، دانش منطقه‌ای را افزایش داد (سیلاس و مایر، ۲۰۲۰)

پذیرش اجتماعی	پیشنهاد (P)	K-expansion اجتماعی	«نمایش ماهی‌ها در شورای برنامه‌ریزی»	جلب حمایت مدیریتی، اجماع اجتماعی را تضمین کرد (نیکولاس و مارکوک، ۲۰۱۱)
نظارت و پایداری	پیشنهاد (P)	K-expansion اجتماعی	«نظارت مستمر هفتگی»	نظارت دقیق پایداری پروژه را تضمین کرد (براون، ۲۰۰۸)

در این تحلیل پسینی و بازسازی مراحل پروژه همانطور که در جدول ۵ قابل مشاهده است، در فاز دانش، اطلاعات محلی (دبی چشمه، دمای آب) و دانش خارجی (مدل ژاپنی پرورش ماهی) شناسایی گردید. در فاز مفهوم، ایده‌های خلاق مانند ایجاد استخرهای ماهی در اراضی رها شده و تشکیل اتحادیه ظهور یافت. در فاز پیشنهاد، استراتژی‌های عملی شامل تسهیلات بانکی (۱۵-۲۰ میلیون تومان)، آموزش جوانان، و اتصال به بازارهای شهری تدوین گردید که در بخش بعدی به تحلیل آن پرداخته شده است.

۴. تحلیل یافته‌های پژوهش

۴.۱. ارزیابی فازهای KCP

۱) فاز دانش (K Phase)

فاز دانش پارادوکس کلیدی (چشمه‌های پرآب در مقابل فقر ۳۰٪) شناسایی نمود. آزمایش کیفیت آب نیز دانش جدیدی درباره پرورش ماهی سردآبی تولید کرد. (سیلاس و مایر، ۲۰۲۰). مشاوره با کارشناس شیلات ایران و بهره‌گیری از مدل ژاپنی پرورش توأم ماهی و برنج که به‌عنوان دانشی اولیه و خارج از چارچوب عمل نمود سبب گردید تا شکاف‌های دانشی منطقه تکمیل گردد. جلسات اولیه با جامعه محلی و شناسایی کارآفرین ذی‌نفوذ، حمایت اجتماعی را تقویت نمود (چوا، ۲۰۱۸).

۲) فاز مفهوم (C Phase)

فاز مفهوم با استفاده از پروژکتورهای مفهومی^۱ به کاوش ایده‌های نوآورانه پرداخت که شامل موارد زیر است:

- ایجاد استخرهای پرورش ماهی قزل‌آلا در اراضی شیب‌دار رها شده.

- توسعه تعاونی محلی برای مدیریت تولید و توزیع.

- آموزش مهارت‌های پرورش ماهی به جامعه محلی

- اتصال تولیدات به بازارهای شهری از طریق شبکه‌های بازرگانی.

این ایده‌ها باورهای سنتی، مانند غیرممکن بودن پرورش ماهی در مناطق سرد با ۱۱۵ روز یخبندان، را به چالش کشیدند و پتانسیل مفهومی را کاوش کردند (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹). برخلاف روش‌های سنتی مانند طوفان فکری، که به ایده‌های مشابه محدود می‌شوند، KCP با واگرایی هدایت‌شده راه‌حل‌های متناسب با شرایط منطقه ارائه داد (پالوس و براون، ۲۰۰۷).

۳) فاز پیشنهاد (P Phase)

فاز پیشنهاد که بر تدوین استراتژی‌های چندمسیره متمرکز است و مفاهیم فاز C را به راه‌حل‌های عملی مبدل می‌سازد

۱. پروژکتورهای مفهومی ابزارهایی برای تولید ایده‌های نوآورانه با شکستن چارچوب‌های سنتی است (هاتکل، ۲۰۰۹، ص ۴)

در نهایت به پنج استراتژی اصلی زیر منجر گردید:

۱. ساخت استخرهای پرورش ماهی از طریق اخذ تسهیلات بانکی (۱۵-۲۰ میلیون تومان، متناسب با تبصره ۳ قانون بودجه کشوری) و نظارت سازمان شیلات.
 ۲. انتخاب محل و ظرفیت مناسب (چشمه آب) و نیز فرد کارآفرین محلی برای مدیریت تولید و توزیع.
 ۳. آموزش جوانان و ایجاد شبکه‌های بازرگانی برای اتصال به بازارهای شهری
 ۴. تدوین سیاست‌های لازم به منظور گسترش الگوی موفق فوق به دیگر مناطق مجاور
 ۵. تشکیل اتحادیه به منظور هم‌افزایی و ایجاد هماهنگی در زنجیره ارزش و بازاریابی
- این استراتژی‌ها با جلب تعهد ذینفعان (جامعه محلی، بانک صادرات، مقامات استانی) و نمایش نتایج ملموس (توزیع ماهی‌ها در شورای برنامه‌ریزی)، مقاومت‌های مدیریتی و اجتماعی را کاهش دادند (چوا، ۲۰۱۸). این فرآیند پایداری پروژه را تضمین و منجر به تشکیل اتحادیه پرورش‌دهندگان ماهی شد.

۲.۴. ارزیابی معیارهای خلاقیت جمعی

تحلیل پسینی پروژه رستم‌آباد نشان داد که مراحل پروژه به‌طور مؤثری چهار معیار خلاقیت جمعی موردنظر هچوئل (۲۰۰۹) را پوشش داده است. این معیارها، که شامل گسترش مفهومی (C-expansion) و گسترش دانش (K-expansion) در ابعاد شناختی و اجتماعی هستند، موفقیت پروژه را از منظر خلاقیت جمعی توضیح می‌دهند. در ادامه، هر معیار با شواهد مصاحبه و داده‌های پروژه تحلیل می‌شود.

۱. گسترش مفهومی (C-expansion) در بعد شناختی (کاوش مفهومی):

این معیار به توانایی پروژه در کاوش پتانسیل مفهومی و تولید ایده‌های نوآورانه اشاره دارد. در فاز مفهوم، ایده ایجاد استخرهای ماهی در اراضی شیب‌دار رها شده، که پیش‌تر برای کشاورزی نامناسب تلقی می‌شدند، پتانسیل مفهومی جدیدی را تولید نمود. این ایده با الهام از مدل ژاپنی پرورش توأم ماهی و برنج و تطبیق آن با شرایط محلی (دمای آب ۸-۱۲ درجه سانتی‌گراد) شکل گرفت. به گفته کارآفرین محلی، «ایده پرورش ماهی در اراضی شیب‌دار... بدون تعارض با کشاورزی» بود (جدول ۴). این کاوش مفهومی، برخلاف روش‌های سنتی مانند طوفان فکری که به ایده‌های مشابه محدود می‌شوند، واگرایی هدایت‌شده‌ای را ایجاد نمود (پالوس و براون، ۲۰۰۷).

۲. گسترش مفهومی (C-expansion) در بعد اجتماعی (شکستن قوانین)

معیار فوق مرتبط با به چالش کشیدن باورهای سنتی و موانع اجتماعی برای پذیرش ایده‌های جدید است. پروژه با باور رایج «غیرممکن بودن پرورش ماهی در مناطق سرد با ۱۱۵ روز یخبندان» مواجه بود. در فاز مفهوم، نمایش عملی ماهی‌های پرورش‌یافته در شورای برنامه‌ریزی این باور را به چالش کشید. مدیر محلی اظهار داشت: «باور غیرممکن بودن پرورش ماهی... با نمایش ماهی‌ها در شورا به چالش کشیده شد» (جدول ۴). این اقدام، مقاومت‌های اولیه مدیریتی («در شورای برنامه‌ریزی... مورد شک و تمسخر قرار گرفت») را کاهش داد و اجماع اجتماعی را تقویت کرد. این فرآیند با یافته‌های هچوئل و همکاران (۲۰۰۹) هم‌راستا است که تأکید دارند شکستن قوانین اجتماعی برای خلاقیت جمعی ضروری است.

۳. گسترش دانش (K-expansion) در بعد شناختی (تولید دانش):

این معیار بر تولید دانش جدید از طریق تعامل میان مفاهیم و اطلاعات موجود اشاره دارد. در فاز دانش، آزمایش کیفیت آب چشمه (دمای ۸-۱۲ درجه سانتی گراد، اکسیژن بالا) و مشاوره با کارشناس شیلات، دانش جدیدی درباره پرورش ماهی قزل آلا در منطقه تولید نمود. در فاز پیشنهاد، آموزش جوانان منجر به تربیت کارشناسان محلی شیلات و دام پزشکی شد. کارآفرین محلی خاطرنشان کرد: «آموزش جوانان... تربیت کارشناسان شیلات و دام پزشکی» را ممکن ساخت (جدول ۴). این تولید دانش، شکاف های شناختی منطقه (نبود دانش فنی) را پر کرد و با مدل های یادگیری سازمانی هم راستا بود (سیلاس و مایر، ۲۰۲۰).

۴. گسترش دانش (K-expansion) در بعد اجتماعی (پذیرش اجتماعی):

این معیار به جلب اجماع و تعهد ذی نفعان برای اجرای ایده ها اشاره دارد. در فازهای دانش و پیشنهاد، جلسات مشارکتی با جامعه محلی و نقش کارآفرین ذی نفوذ، توافقات اجتماعی را ایجاد کرد. به گفته مدیر محلی، «فردی ذی نفوذ... توافقات اجتماعی را ایجاد کرد» (جدول ۴). در فاز پیشنهاد، استراتژی های عملی مانند تسهیلات بانکی (۱۵-۲۰ میلیون تومان)، تشکیل تعاونی، و نمایش نتایج ملموس (توزیع ماهی ها) پذیرش اجتماعی را تقویت کرد. گسترش پروژه به کهگیلویه و خوزستان و تشکیل اتحادیه پرورش دهندگان ماهی نشان دهنده پایداری این اجماع بود (نیکولاس و مارکوک، ۲۰۱۱). این فرآیند، برتری KCP را در مدیریت موانع اجتماعی نسبت به روش های سنتی نشان داد. ارزیابی فوق نشان می دهد که KCP نه تنها قادر به مدیریت چالش های شناختی (نبود دانش فنی) و اجتماعی (مقاومت های فرهنگی و مدیریتی) بود، بلکه قادر به توضیح و پوشش چهار معیار خلاقیت جمعی، نیز بوده است.

۵. پیامدهای نظری و عملی پژوهش

۱.۵. پیامدهای نظری

پیامدهای نظری کاربست چارچوب KCP با تاکید بر اعتبار آن در چهار محور زیر قابل ارائه است:

۱. گسترش کاربرد تئوری C-K به مسائل اجتماعی

تئوری C-K، که در ابتدا برای طراحی مهندسی و نوآوری های صنعتی تدوین شده بود (هاتکل و ویل، ۲۰۰۳)، عمدتاً در حوزه های فنی کاربرد داشت. با این حال، کاربرد چارچوب KCP در پروژه حاضر نشان داد که این تئوری می تواند به صورت مؤثری به مسائل اجتماعی، به ویژه در مناطق محروم، تعمیم یابد. KCP با ساختار سه فازی خود—شامل فازهای دانش، مفهوم، و پیشنهاد—و پوشش چهار بعد خلاقیت جمعی (گسترش مفهومی و گسترش دانش در ابعاد شناختی و اجتماعی)، چارچوبی یکپارچه و نظام مند برای تحلیل و طراحی نوآوری های اجتماعی ارائه کرد. این دستاورد، شکاف پژوهشی موجود در ادبیات کارآفرینی اجتماعی را، که در آن کمبود چارچوب های منسجم برای تلفیق خلاقیت و اجماع اجتماعی مشهود است، به گونه ای کارآمد پر می کند (یونس و همکاران، ۲۰۰۶؛ مایر و مارتی، ۲۰۱۰). برای نمونه، فاز دانش با بهره گیری از دانش خارجی، مانند مدل ژاپنی پرورش توأم ماهی و برنج، و فاز مفهوم با خلق ایده های نوآورانه، نظیر احداث استخرهای ماهی در اراضی رها شده، نشان داد که تئوری C-K فراتر از طراحی محصولات، توانایی طراحی نظام های اجتماعی-اقتصادی را نیز داراست.

۲. تقویت مفهوم خلاقیت جمعی در کارآفرینی اجتماعی

چارچوب KCP با تکیه بر واگرایی هدایت‌شده و جلب مشارکت فعال ذی‌نفعان، مفهوم خلاقیت جمعی را در حوزه کارآفرینی اجتماعی بازتعریف نمود. این روش در مقایسه با روش‌های سنتی مانند طوفان فکری، که به دلیل شباهت ایده‌ها و موانع اجتماعی نظیر اضطراب گروهی با محدودیت‌هایی مواجه‌اند (پالوس و براون، ۲۰۰۷). با به کارگیری ابزارهای پروژکتورهای مفهومی در فاز مفهوم (C) و جلسات مشارکتی در فازهای دانش (K) و پیشنهاد (P)، فضایی ساختارمند برای پرورش خلاقیت فراهم نمود. در پروژه رستم‌آباد، پروژکتورهای مفهومی نظیر تأسیس اتحادیه محلی و آموزش مهارت‌های پرورش ماهی، نه تنها پتانسیل‌های مفهومی را به صورت نظام‌مند کاوش نمود، بلکه باورهای سنتی، از جمله تصور غیرممکن بودن پرورش ماهی در مناطق سردسیر را نیز به چالش کشید. این فرآیند با مفهوم «نوآوری عمیق» هم‌خوانی دارد، مفهومی که راه‌حل‌های تحول‌آفرین را برای مسائل پیچیده اجتماعی پیشنهاد می‌دهد (پالوس و براون، ۲۰۰۷). اعتبار KCP در این حوزه از توانایی در مدیریت موانع شناختی، مانند تشابه ایده‌ها، و موانع اجتماعی، نظیر مقاومت‌های فرهنگی، سرچشمه می‌گیرد و توانسته است به عنوان ابزاری کارآمد برای طراحی نوآوری‌های اجتماعی معرفی گردد.

۳. توسعه مدل‌های یادگیری در نوآوری اجتماعی

چارچوب KCP با تمرکز بر مؤلفه گسترش دانش، یادگیری پویا را به عنوان محور اصلی نوآوری اجتماعی تقویت نمود. در فاز دانش، اجرای آزمایش‌های کیفیت آب و بهره‌گیری از مشاوره تخصصی کارشناسان شیلات، دانش نوینی در زمینه پرورش ماهی سردآبی بوجود آورد. در فاز پیشنهاد، شناسایی نیازهای دانشی، از جمله تغذیه ماهی و استراتژی‌های بازاریابی، به طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند منجر گردید. این فرآیند با مدل‌های یادگیری سازمانی در حوزه نوآوری اجتماعی هم‌راستا است، مدل‌هایی که یادگیری مستمر را شرطی اساسی برای مقیاس‌پذیری پروژه‌ها می‌دانند (سیلاس و مایر، ۲۰۲۰). تجربه پروژه رستم‌آباد نشان داد که KCP قادر است شکاف‌های دانشی در مناطق محروم و کمبود داده‌های کامل و فقدان تخصص‌ه عنوان چالش‌های کلیدی را رفع نماید (یونس و همکاران، ۲۰۱۰). این پیامد نظری، جایگاه KCP را به عنوان ابزاری معتبر برای تولید و انتقال دانش در محیط‌های پیچیده تثبیت می‌کند، و توانایی آن را در تسهیل نوآوری‌های پایدار در بسترهای اجتماعی برجسته می‌سازد.

۴. تقویت نظریه‌های اجماع اجتماعی

چارچوب KCP از طریق مؤلفه گسترش دانش اجتماعی، با جلب مشارکت فعال ذی‌نفعان کلیدی—شامل کارآفرین محلی، شورای برنامه‌ریزی استان، و بانک صادرات—مشروعیت اجتماعی پروژه را به صورت مؤثری تأمین نمود. ارائه ماهی‌های تولیدی در جلسه شورای برنامه‌ریزی، به عنوان یک اقدام عملی، نه تنها مقاومت‌های مدیریتی را کاهش داد، بلکه پذیرش اجتماعی پروژه را به شکل قابل‌توجهی تقویت نمود (چوا، ۲۰۱۸). این رویکرد با نظریه‌های اجماع اجتماعی در کارآفرینی اجتماعی هم‌خوانی دارد، که بر ضرورت همکاری ذی‌نفعان برای تضمین پایداری پروژه‌ها تأکید دارند (اوستین و همکاران، ۲۰۱۲) KCP با فراهم‌سازی فضایی ساختارمند برای گفت‌وگو و ارائه نتایج عینی، موانع اجتماعی نظیر تردیدهای مدیران استانی را با موفقیت برطرف نمود و نشان داد که اجماع اجتماعی می‌تواند

نقشی محوری به عنوان محرک نوآوری ایفا نماید. این دستاورد، اعتبار و کارآمدی این چارچوب را به منظور مدیریت پیچیدگی های اجتماعی در پروژه های کارآفرینی اجتماعی تثبیت و توانایی آن در تلفیق مشارکت ذی نفعان و نتایج عملی را به منظور تحقق نوآوری های پایدار را به نمایش گذارد.

۲.۵. پیامدهای عملی

پیامدهای عملی کاربست چارچوب KCP با تأکید بر کارکرد آن در پنج محور زیر قابل ارائه است:

۱. ابزاری عملی برای طراحی ایده های نوآورانه در حوزه اجتماعی

چارچوب KCP با ارائه ابزارهای ساختاریافته ای نظیر کارگاه های مشارکتی، نظارت مستمر، و پروتوتایپ سازی سریع، به ارائه راهکارهایی مؤثر برای اجرای پروژه های کارآفرینی اجتماعی در مناطق محروم پرداخت. به عنوان نمونه، برگزاری جلسات تعاملی با کارآفرین محلی و اعضای جامعه روستایی در فاز دانش، مشارکت فعال ذی نفعان را به طور قابل توجهی تقویت نمود. همچنین نظارت هفتگی مدیر پروژه، همراه با بررسی و تأیید گزارش های کارشناسی، متضمن اجرای دقیق و منظم پروژه بود. این ابزارها، که ریشه در ساختار سه فازی KCP دارد، به کارآفرینان اجتماعی امکان می دهند تا پروژه های پیچیده را حتی با وجود محدودیت های منابع به صورت کارآمد مدیریت نمایند (براون، ۲۰۰۸). موفقیت پروژه فوق در ایجاد تعداد بسیار زیاد فرصت شغلی مستقیم در روستاهای منطقه، بر اساس داده های حاصل از مصاحبه ها، اعتبار عملی چارچوب KCP را به وضوح مورد تأیید قرار می دهد. جدول ۶ ابزارهای عملی KCP را نشان می دهد که چگونه جلسات مشارکتی، آزمایش ها، و نظارت مستمر موفقیت پروژه را تضمین کردند.

جدول ۶. ابزارهای عملی KCP در پروژه رستم آباد

فاز KCP	ابزار عملی	توضیح	شواهد (مصاحبه)	تأثیر	منبع
دانش (K)	جلسات مشارکتی	برگزاری جلسات با جامعه محلی و کارآفرین ذی نفوذ برای شناسایی منابع و جلب حمایت	«جلسات اولیه با مردم و فردی ذی نفوذ توافقات اجتماعی را ایجاد کرد»	تقویت مشارکت و کاهش تعارضات اجتماعی	چوا، ۲۰۱۸. مصاحبه، ۱۴۰۴
دانش (K)	آزمایش کیفیت آب	بررسی دما (۸-۱۲ درجه سانتی گراد) و اکسیژن آب چشمه برای تأیید امکان پرورش ماهی	«آزمایش کیفیت آب چشمه توسط کارشناس شیلات»	تولید دانش فنی و رفع شکاف های شناختی	سلاس و مایر، ۲۰۲۰. مصاحبه، ۱۴۰۴
دانش (K)	مشاوره تخصصی	مشاوره با کارشناس شیلات ایران برای تطبیق مدل ژاپنی پرورش ماهی	«مشاوره با کارشناس شیلات ایران برای پرورش ماهی سردآبی»	انتقال دانش خارجی و بومی سازی راه حل	هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹. مصاحبه، ۱۴۰۴
مفهوم (C)	طرح های مفهومی	طراحی ایده پرورش ماهی در اراضی شیب دار و تشکیل تعاونی محلی	«ایده پرورش ماهی در اراضی شیب دار بدون تعارض با کشاورزی»	کاوش پتانسیل مفهومی و به چالش کشیدن باورهای سنتی	هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹. مصاحبه، ۱۴۰۴

KCP: چارچوبی نوین برای طراحی و پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه در کارآفرینی اجتماعی (مبینی دهکردی و وهابی ایبانه)

پیشنهاد (P)	نظارت مستمر	بازدیدهای هفتگی مدیر پروژه و تأیید گزارش‌های کارشناسی	«نظارت مستمر هفتگی تا اعتماد به کارشناسان»	تضمین اجرای دقیق و پایداری پروژه	براون، ۲۰۰۸. مصاحبه، ۱۴۰۴
پیشنهاد (P)	پروتوتایپ‌سازی سریع	نمایش ماهی‌های پرورش‌یافته در شورای برنامه‌ریزی برای جلب حمایت	«توزیع ماهی‌ها در شورا مقاومت‌ها را کاهش داد»	افزایش پذیرش اجتماعی و کاهش مقاومت مدیریتی	نیکولاس و مارکوک، ۲۰۱۱. مصاحبه، ۱۴۰۴
پیشنهاد (P)	تسهیلات بانکی	تأمین ۱۵-۲۰ میلیون تومان از بانک صادرات (تبصره ۳)	«تسهیلات بانکی ۱۵-۲۰ میلیون تومان برای ساخت استخرها»	رفع محدودیت مالی و تسریع اجرا	چواه، ۲۰۱۸. مصاحبه، ۱۴۰۴
پیشنهاد (P)	آموزش محلی	آموزش جوانان در زمینه پرورش ماهی و بازاریابی	«آموزش جوانان برای پرورش ماهی و تربیت کارشناسان شیلات»	ظرفیت‌سازی و ایجاد اشتغال پایدار	سیلاس و ماید، ۲۰۲۰. مصاحبه، ۱۴۰۴

۲. مدیریت منابع بلااستفاده در مناطق محروم

چارچوب KCP با شناسایی و بهره‌برداری مؤثر از منابع بلااستفاده، نظیر چشمه‌ای با دبی ۶ تا ۹ مترمکعب و اراضی شیب‌دار رهاشده، راه‌حلی پایدار برای توسعه روستایی ارائه نمود. این پروژه به‌گونه‌ای طراحی و اجرا گردید که نه تنها هیچ‌گونه تعارضی با فعالیت‌های سنتی مانند کشاورزی و دامداری نداشت، بلکه نشان داد که توجه به ابعاد چارچوب فوق می‌تواند منابع محلی را به فرصت‌های اقتصادی پایدار مبدل نماید (مولگان، ۲۰۰۷). تأسیس اتحادیه پرورش‌دهندگان ماهی استانی، زنجیره ارزشی منسجم و پایداری را ایجاد نمود که زمینه‌ساز گسترش پروژه به استان‌های هم‌جوار، از جمله کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان، گردید. این دستاورد عملی، جایگاه KCP را به‌عنوان ابزاری معتبر و کارآمد برای مدیریت منابع در مناطق محروم تثبیت می‌نماید و توانایی آن را در ایجاد تحول اقتصادی در بسترهای محلی از طریق افزایش دانش و یادگیری مستمر برجسته می‌سازد.

۳. ظرفیت‌سازی و آموزش جامعه محلی

چارچوب KCP با تأکید بر K-expansion شناختی، برنامه‌های آموزشی برای جوانان محلی (پرورش ماهی، بازاریابی) را هدایت نمود. این آموزش‌ها، که با همکاری سازمان شیلات و دانشگاه‌های محلی و ملی اجرا شدند، موجبات ارتقا سطح مهارت جامعه و تربیت نیروی متخصص محلی (کارشناسان شیلات، دام‌پزشکی) را فراهم نمود. شکل‌گیری کارخانه‌های تولید خوراک ماهی و شبکه‌های بازرگانی، نشان‌دهنده تأثیر بلندمدت این ظرفیت‌سازی است (سیلاس و مایر، ۲۰۲۰). اعتبار KCP در این زمینه از توانایی آن در تبدیل جوامع منفعل به کنشگران فعال اقتصادی ناشی می‌شود.

۴. تقویت انسجام اجتماعی و کاهش فقر

پروژه با جلب مشارکت جامعه محلی و کاهش مقاومت‌های اجتماعی (از طریق کارآفرین بانفوذ)، انسجام اجتماعی را تقویت نمود. ایجاد اشتغال پایدار، کاهش مهاجرت روستایی، و بهبود معیشت (درآمدزایی از فروش ماهی)، فقر ۳۰٪ منطقه را کاهش داد (داده‌های مصاحبه). همچنین، فعالیت‌های خیرخواهانه (کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست) و

حفاظت از چشمه‌ها، موجب افزایش سرمایه اجتماعی گردید. KCP با ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و نمایش نتایج ملموس (توزیع ماهی در شورای برنامه‌ریزی)، اعتماد بین دولت و مردم را تقویت و نشان داد که می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای توسعه پایدار عمل کند.

۵. مقیاس‌پذیری و الگوبرداری

گسترش پروژه به سایر چشمه‌های استان و مناطق هم‌جوار، نشان از مقیاس‌پذیری KCP دارد. تشکیل اتحادیه پرورش‌دهندگان ماهی و پلنفرم‌های بازرگانی، زیرساخت‌هایی برای پایداری بلندمدت ایجاد نمود. این پیامد عملی، KCP را به‌عنوان چارچوبی قابل تکرار برای پروژه‌های کارآفرینی اجتماعی در مناطق مشابه معرفی می‌کند (نیکولاس و مارکوک، ۲۰۱۱).

۵. نتیجه‌گیری

تحلیل پسینی پروژه پرورش ماهی قزل‌آلا در چشمه‌های رستم‌آباد، شهرستان اردل از توابع استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۶۴-۱۳۶۵)، اعتبار چارچوب KCP را به‌عنوان ابزاری نظام‌مند برای تحلیل و توضیح موفقیت پروژه‌های کارآفرینی اجتماعی مورد تأیید قرار داد. این پروژه، که با بهره‌برداری نوآورانه از منابع بلااستفاده (چشمه‌ای با دبی ۶-۹ مترمکعب در ثانیه و اراضی شیب‌دار) و مقابله با چالش‌های اجتماعی-اقتصادی منطقه نظیر فقر ۳۰٪، نرخ بیکاری ۱۳٪، و نبود دانش فنی به سرانجام رسید به‌خوبی نشان داد که KCP می‌تواند فرآیندهای پیچیده نوآوری اجتماعی را به‌صورت ساختاریافته تبیین نماید. فاز دانش با شناسایی پارادوکس کلیدی (منابع پرآب در مقابل فقر) و تولید دانش جدید از طریق آزمایش کیفیت آب و بهره‌گیری از مدل ژاپنی، فاز مفهوم با کاوش ایده‌های خلاق مانند ایجاد استخرهای ماهی و تشکیل تعاونی، و فاز پیشنهاد با تدوین استراتژی‌های عملی نظیر تسهیلات بانکی ۱۵-۲۰ میلیون تومانی و آموزش جوانان، چهار معیار خلاقیت جمعی—کاوش مفهومی، شکستن قوانین، تولید دانش، و پذیرش اجتماعی—را مورد توجه قرار داد (هاتکل و همکاران، ۲۰۰۹). علاوه بر آن دستیابی به نتایجی ملموس نظیر ایجاد ۷۰-۸۰ فرصت شغلی مستقیم، کاهش مهاجرت روستایی، تشکیل تعاونی محلی، و مقیاس‌پذیری به استان‌های هم‌جوار (کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان)، نشان از کارایی و جامع بودن ارکان این چارچوب در مدیریت موانع شناختی (نبود دانش فنی) و اجتماعی (مقاومت‌های فرهنگی و مدیریتی) است.

این پژوهش که متکی بر تحلیلی پسینی است، نشان داد که چارچوب KCP دارای اعتبار لازم به منظور طراحی پروژه‌های کارآفرینی اجتماعی با رویکرد پیشینی است که در آن چارچوب فوق از ابتدا برای برنامه‌ریزی و اجرای پروژه به کار گرفته می‌شود. البته در استفاده پیشینی به منظور طراحی ایده‌های نوآورانه با توجه به مبنای تئوریک و عملی آن نیازمند توجه به الزامات خاصی است که در ادامه مورد اشاره قرار گرفته است:

۱. **تیم هماهنگ و چندرشته‌ای:** تشکیل تیمی از حکمرانان محلی، کارشناسان فنی (مانند متخصصان شیلات)، کارآفرینان محلی، و تسهیل‌گران اجتماعی برای اطمینان از پوشش ابعاد شناختی و اجتماعی در فازهای KCP الزامی قطعی است. همان‌طور که تجربه رستم‌آباد نشان داد، نقش کارآفرین ذی‌نفوذ در جلب اجماع عمومی بسیار حیاتی است (جدول ۴).

KCP: چارچوبی نوین برای طراحی و پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه در کارآفرینی اجتماعی (مبینی دهکردی و وهابی ایبانه)

۲. **زیرساخت‌های مشارکتی:** ایجاد کارگاه‌های منظم با ذی‌نفعان (جامعه محلی، مقامات دولتی، نهادهای مالی) برای تقویت پذیرش اجتماعی از فاز دانش الزام بعدی است. جلسات اولیه در رستم‌آباد نمونه‌ای موفق از این زیرساخت بود (مولگان، ۲۰۰۷).
 ۳. **منابع مالی و فنی پایدار:** تأمین بودجه اولیه (مانند تسهیلات بانکی) و دسترسی به دانش فنی (مانند مشاوره با کارشناسان) برای حمایت از فازهای مفهوم و پیشنهاد الزام دیگری است که توجه به آن دارای ضرورت است. در پروژه رستم‌آباد، همکاری با بانک صادرات و سازمان شیلات این نیاز را برآورده نمود (چوا، ۲۰۱۸).
 ۴. **مدیریت مقاومت‌های اجتماعی:** طراحی استراتژی‌های ارتباطی قوی، مانند پروتوتایپ‌سازی سریع (نمایش نتایج ملموس) و جلسات اقناعی، برای غلبه بر باورهای سنتی و مقاومت‌های مدیریتی مورد مهم بعدی است، مشابه نمایش ماهی‌ها در شورای برنامه‌ریزی که به انجام رسید (جدول ۳).
 ۵. **نظارت و ارزیابی مستمر:** استقرار سیستم‌های نظارتی برای ارزیابی نحوه انجام امور و پیشرفت پروژه در هر فاز KCP و انطباق با چالش‌های پیش‌بینی نشده نیز الزام پایانی است مشابه نظارت سازمان شیلات در رستم‌آباد که به خوبی به انجام رسید (جدول ۶).
- افزون بر ضرورت توجه به ملاحظات و الزامات طرح شده، پیشنهادهایی به منظور استفاده از چارچوب KCP در طراحی پروژه‌های کارآفرینی اجتماعی به شرح زیر ارائه می‌گردد:
۱. **آزمایش پیشینی در زمینه‌های متنوع:** اجرای آزمایشی KCP در پروژه‌های جدید، مانند طرح‌های کشاورزی پایدار در مناطق محروم کردستان یا پرورش ماهی در لرستان، به منظور ارزیابی انعطاف‌پذیری چارچوب در زمینه‌های مختلف.
 ۲. **مقایسه با چارچوب‌های دیگر:** مقایسه KCP با روش‌هایی مانند تفکر سیستمی یا تفکر طراحی در پروژه‌ها برای شناسایی نقاط قوت و ضعف نسبی و بهبود فرآیندهای پیشینی.
 ۳. **تقویت با فناوری:** استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال برای تسهیل کارگاه‌های مشارکتی، بازاریابی محصولات (مانند اپلیکیشن‌های فروش مستقیم ماهی)، و نظارت بر پیشرفت پروژه، به منظور افزایش کارایی فازهای KCP.
 ۴. **ظرفیت‌سازی محلی:** همکاری با دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای آموزش کارآفرینان محلی در مهارت‌های فنی (مانند پرورش ماهی) و مدیریتی (مانند مدیریت تعاونی)، مشابه آموزش جوانان در رستم‌آباد.
- چارچوب KCP، همان‌گونه که در تحلیل پسینی پروژه رستم‌آباد نشان داده شد، ابزاری قدرتمند برای توضیح موفقیت‌های نوآوری در حوزه اجتماعی است. با این حال، کاربرد پیشینی آن پتانسیل بیشتری برای هدایت جوامع محروم به‌سوی توسعه پایدار ارائه می‌دهد، مشروط بر اینکه الزامات ذکر شده به‌دقت تأمین شوند. این چارچوب نه تنها در مناطق محروم ایران، بلکه در هر زمینه‌ای که نیاز به خلق ارزش اجتماعی پایدار باشد، قابل استفاده است و می‌تواند آینده‌ای عادلانه‌تر و فراگیرتر را رقم بزند.

منابع

- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). گزارش نیروی کار سال ۱۴۰۱. <https://www.amar.org.ir>.
 - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۹). گزارش فقر و نابرابری در ایران. <https://www.mcls.gov.ir>.
 - سازمان هواشناسی ایران. (۱۴۰۰). گزارش اقلیمی چهارمحال و بختیاری. <https://www.irimo.ir>.
 - سازمان شیلات ایران. (۱۳۹۸). گزارش آموزش نیروی کار در شیلات. <https://www.shilat.ir>.
- Austin, J., Stevenson, H., & Wei-Skillern, J. (2012). Social and commercial entrepreneurship: same, different, or both? *Revista de Administração*, 47(3), 370-384.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qual. Res. Psychol.*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>
- Brown, T. (2008). Design thinking. *Harvard business review*, 86(6), 84.
- Chou, D. C. (2018). Applying design thinking method to social entrepreneurship project. *Computer Standards & Interfaces*, 55, 73-79. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.csi.2017.05.001>
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2016). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. SAGE Publications.
- Dees, J. G. (1998). The meaning of social entrepreneurship. In: Kauffman Center for Entrepreneurial Leadership.
- Hatchuel, A., Le Masson, P., & Weil, B. (2009). Design theory and collective creativity: a theoretical framework to evaluate KCP process. *International conference on engineering design, ICED*,
- Hatchuel, A., & Weil, B. (2003). A new approach of innovative Design: an introduction to CK theory. *DS 31: Proceedings of ICED 03, the 14th International Conference on Engineering Design*, Stockholm,
- Isaksen, S. G., & Treffinger, D. J. (1985). *Creative problem solving : the basic course*. Bearly Limited. <https://cir.nii.ac.jp/crid/1130282269034305024>
- Linstone, H. A., & Turoff, M. (2011). Delphi: A brief look backward and forward. *Technological Forecasting and Social Change*, 78(9), 1712-1719. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.techfore.2010.09.011>
- Mair, J., & Martí, I. (2006). Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight. *Journal of World Business*, 41(1), 36-44. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jwb.2005.09.002>
- Mair, J., & Seelos, C. (2017). *Innovation and Scaling for Impact: How effective Social Enterprises do it*.
- Mulgan, G., Tucker, S., Ali, R., & Sanders, B. (2007). *Social innovation: what it is, why it matters and how it can be accelerated*.
- Nicholls, A., & Murdock, A. (2011). *Social innovation: Blurring boundaries to reconfigure markets*. Springer.
- Paulus, P. B., & Brown, V. R. (2007). Toward more creative and innovative group idea generation: A cognitive-social-motivational perspective of brainstorming. *Social and Personality Psychology Compass*, 1(1), 248-265.
- Paulus, P. B., & Dzindolet, M. T. (1993). Social influence processes in group brainstorming. *Journal of personality and social psychology*, 64(4), 575.
- Schwandt, T. A., Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (2007). Judging interpretations: But is it rigorous? trustworthiness and authenticity in naturalistic evaluation. *New Dir. Eval.*, 2007(114), 11-25. <https://doi.org/10.1002/ev.223>
- Seelos, C., & Mair, J. (2020). *Innovation and scaling for impact: How effective social enterprises do it*. Stanford university press.
- Sutton, R. I., & Hargadon, A. (1996). Brainstorming Groups in Context: Effectiveness in a Product Design Firm. *Administrative Science Quarterly*, 41(4), 685-718. <https://doi.org/10.2307/2393872>

KCP: چارچوبی نوین برای طراحی و پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه در کارآفرینی اجتماعی (مبینی دهکردی و وهابی ایبانه)

- VanGundy, A. B. (1988). Techniques of structured problem solving. (No Title).
- Yin, R. K. (2017). Case study research and applications: Design and methods. SAGE Publications.
- Yunus, M., Moingeon, B., & Lehmann-Ortega, L. (2010). Building social business models: Lessons from the Grameen experience. Long range planning, 43(2-3), 308-325.
- Zahra, S. A., Gedajlovic, E., Neubaum, D. O., & Shulman, J. M. (2009). A typology of social entrepreneurs: Motives, search processes and ethical challenges. Journal of Business Venturing, 24(5), 519-532. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2008.04.007>